

پایان استعمار پرتغال در آفریقا

خشن‌ترین و سرسخت‌ترین قدرت استعماری جهان ، مستعمرات خود را یکی پس از دیگری رها میکند .

در یکماه گذشته ، در راه محو آخرین آثار استعمار از قاره سیاه گام مهم و تازه‌ای برداشته شد : قرارداد استقلال دو مستعمره آفریقائی پرتغال بین حکومت جدید این کشور و استقلال طلبان دو مستعمره آفریقائی بامضا رسید و یکی از آن دو رسماً بجزیره کشورهای مستقل جهان پیوست .

پرتغال تا قبل از تحولات اخیر آنکشور یکی از خشن‌ترین و سرسخت‌ترین قدرت‌های استعماری جهان بشمار میرفت . این کشور کوچک که در منتهی‌الیه جنوب‌غربی اروپا، قرار گرفته و با قریب ۹ میلیون نفر جمعیت کمتر از یکسدهزار کیلومتر مربع مساحت دارد از اوائل قرن شانزدهم به تصرف سرزمینهای حاصلخیز آفریقا و بخشی از آسیا و اقیانوسیه پرداخته و مجموع متصرفات و مستعمرات این کشور تا آغاز سال جاری بیش از بیست برابر خاک اصلی پرتغال بود .

پرتغال تا قبل از تحولات اخیر آنکشور یکی از خشن‌ترین و سرسخت‌ترین قدرت‌های استعماری جهان بشمار میرفت . این کشور کوچک که در منتهی‌الیه جنوب‌غربی اروپا، قرار گرفته و با قریب ۹ میلیون نفر جمعیت کمتر از یکسدهزار کیلومتر مربع مساحت دارد از اوائل قرن شانزدهم به تصرف سرزمینهای حاصلخیز آفریقا و بخشی از آسیا و اقیانوسیه پرداخته و مجموع متصرفات و مستعمرات این کشور تا آغاز سال جاری بیش از بیست برابر خاک اصلی پرتغال بود .

پرتغال چه در دورانی که با رژیم سلطنتی اداره میشد و چه در زمان جمهوری که از سال ۱۹۱۰ باینطرف در آن کشور برقرار شده همواره یکی از خشن‌ترین و غیرقابل انعطاف

در اواخر دهه ۱۹۶۰ و آغاز دهه ۱۹۷۰ توسعه نهضت‌های استقلال طلبانه در مستعمرات آفریقائی پرتغال ، حکومت لیسبون را به صرف هزینه‌های هنگفت و تحمل تلفات سنگین در نبرد با استقلال طلبان مستعمرات وادار ساخت به طوری که در سالهای ۲۳-۱۹۷۲ تعداد سربازان پرتغال در مستعمرات آفریقائی آنکشور از یکصد و چهل هزار نفر که بیش از دو سوم تمام افراد ارتش پرتغال است تجاوز می‌کرد و هزینه ادامه جنگ

پرتغال در الجزیره به امضاء رسید و تخلیه گینه - بیسائو، از نیروهای پرتغال (که تا روز ۳۱ اکتبر - نهم آبان به انجام خواهد رسید) از همان روز آغاز گردید.

گینه بیسائو کوچکترین و فقیرترین مستعمره افریقائی پرتغال که از ماه گذشته رسماً به جرگه ممالک مستقل و آزاد جهان پیوست در غرب سحرای افریقا بین دو کشور سنگال و گینه قرار دارد و مساحت آن در حدود ۳۶ هزار کیلومتر مربع است، جمعیت این کشور در حدود شصت هزار نفر می باشد، ولی استقلال طلبان گینه بیسائو علاوه بر سرزمینهای اصلی این کشور جزایر معروف به دماغه سبز را نیز که از پانزده جزیره سرسبز با قریب ۲۷۰۰۰ نفر جمعیت تشکیل شده و پانصد کیلومتر از سواحل گینه و سنگال فاصله دارد متعلق بخود میدادند. این جزایر دارای موقعیت استراتژیکی بسیار مهم و حساسی است و دولت پرتغال و استقلال طلبان گینه بیسائو پس از مذاکرات طولانی در یاره آینده این جزایر سرانجام به این صورت توافق کرده اند که تعیین سرنوشته آینده این جزایر، یعنی انضمام آن به گینه بیسائو یا پیوستن آن به پرتغال به آراء عمومی مردم این سرزمین واگذار شود.

گینه بیسائو که در حدود پنج قرن پیش از طرف پرتغالیها کشف و تصرف شده، تا سال ۱۹۶۰ مستعمره مطیع و آرامی بود، ولی فتنه استقلال طلبی این سرزمین پس از اعلام استقلال مستعمرات سابق افریقائی فرانسه که هسایگان شمال و جنوب گینه بیسائو نیز از آن جمله بودند سر بلند کرد و نبرد برای استقلال از دوازده سال پیش در این سرزمین آغاز شد. استقلال طلبان گینه بیسائو در دو سال اخیر موفقیت های بزرگی در مبارزه با استعمار پرتغال بدست آوردند و در اوائل سال جاری، هنگامیکه بیش از نیمی

های استعماری پرتغال در آفریقا قسمت اعظم بودجه این کشور را بخود اختصاص داده بود. سرسختی در حفظ مستمرات و ادامه جنگهای استعماری پرتغال که با قساوت و خشونت زیادی همراه بود علاوه بر اینکه به موقعیت بین المللی پرتغال لطمه شدیدی وارد ساخته و این کشور را به یک نوع انزوای سیاسی سوق میدهد موجب ناراضائی خود مردم پرتغال را نیز فراهم آورد و گسترش این ناراضائی ها که بیشتر از مشکلات اقتصادی عدم توجه دولت به رفاه عمومی سرچشمه میگرفت از اوائل سال ۱۹۷۴ در ارتش پرتغال نیز تشنجاتی بوجود آورد و بدنبال قیام افسران جوان ارتش که با شکست مواجه شد در اواخر ماه آوریل (پنجم اردیبهشت) به یک کودتای نظامی بر علیه رژیم دیکتاتوری غیر نظامی پرتغال منجر گردید.

آغاز پایان استعمار پرتغال

کودتای پنجم اردیبهشت پرتغال با اینکه از طرف نظامیان رهبری میشد، با توجه به علل و عواملی که به این کودتا منجر شد ماهیت ضد استعماری داشت و رهبران جدید پرتغال ضمن استقرار یک رژیم دموکراسی در این کشور و آزادی فعالیت احزاب و اجتماعات و مطبوعات مقدمات اعطای استقلال به مستعمرات پرتغال را فراهم ساختند و در ماه یوسو سوارزه رهبر معروف سوسیالیست پرتغال که در حکومت جدید به وزارت امور خارجه منصوب شده بود با سوابقی که در مبارزه با سیاست استعماری پرتغال داشت در محیطی آکنده از حسن نیت و حسن تفاهم با رهبران نهضت های استقلال طلب آفریقا بگفتگو نشست. سند استقلال نخستین مستعمره افریقائی پرتغال روز پنجم شهریورماه یعنی درست چهار ماه پس از کودتای لیسبون و استقرار حکومت جدید

پرداخت ، در سالهای اخیر با دریافت کمک‌ها همسایگان شمالی موزامبیک بتدریج نواحی شمال کشور را متصرف شده و نیروهای پرتغالی را بطرف جنوب می‌رانند و برای حکومت پرتغال رساندن اسلحه و مهمات و نیروهای کمکی با این سرزمین که قریب ده هزار کیلومتر از خاک اصلی پرتغال فاصله دارد کار بسیار شاق و دشواری بود .

موزامبیک بر خلاف گینه بیسائو دارای منابع طبیعی و معدنی قابل توجهی است که مقاومت پرتغالی‌های مقیم این کشور در برابر اعطای استقلال به موزامبیک هم از منافع سرشار آنها در بهره برداری از این منابع سرچشمه می‌گیرد، ولی استقلال موزامبیک امری مختموم و مقاومت در برابر آن جاهلانه و بی‌ثمر است .

پس از استقلال موزامبیک نوبت به سومین مستعمره آفریقائی پرتغال، یعنی آنگولا خواهد رسید ، که در غرب آفریقا قرار گرفته و با بیش از یک میلیون ۲۴۵ هزار کیلومتر مربع مساحت بزرگترین مستعمره آفریقائی پرتغال بشمار می‌آید. آنگولا که از اواخر قرن شانزدهم تحت استعمار پرتغال قرار دارد قریب شش میلیون نفر جمعیت دارد و از سال ۱۹۶۱ پایتخت صرف صحنه جنگ‌های پارتیزانی است .

بین دولت جدید پرتغال و استقلال طلبان آنگولا هنوز مذاکرات رسمی برای اعلام استقلال این سرزمین صورت نگرفته ، ولی مقدمات تماس و مذاکره بین طرفین فراهم آمده و با واقع بینی و حسن نیتی که در دهربران جدید پرتغال مشاهده میشود حصول نتیجه از این مذاکرات و اعلام استقلال آنگولا در آینده نزدیک قطعی بنظر میرسد .

از خاک این کشور را تحت کنترل خود داشتند اعلام استقلال کردند ، بسیاری از کشورهای جهان - و از جمله ایران رژیم استقلال طلبان گینه بیسائو را بعنوان یک حکومت مستقل به رسمیت شناختند و بی اعتباری حکومت پیشین پرتغال که دواکنش اکثریت عظیمی از کشورهای جهان در شناسایی رژیم استقلال طلبان گینه بیسائو نمایان بود خود از عوامل موثر کودتای نظامی ۲۵ آوریل گذشته لیسبون و سقوط حکومت دیکتاتوری سابق پرتغال بشمار می‌آید .

موزامبیک و آنگولا ، دو مستعمره بزرگ آفریقائی که استقلال می‌یابند

موزامبیک دومین مستعمره آفریقائی پرتغال که قرارداد استقلال آن روز نهم شهریور بین ماریو سوارز وزیر خارجه پرتغال و رهبر جبهه استقلال طلبان موزامبیک باامضاء رسید، در شرق آفریقا و بین کنورهای آفریقای جنوبی - رود زیا - زامبیا و تانزانیا قرار گرفته و طول سواحل آن در اقیانوس هند قریب ۲۸۰۰ کیلومتر میباشد . موزامبیک در حدود ۷۸۵ هزار کیلومتر مربع مساحت دارد و جمعیت آن بموجب آخرین سر شمارها از هشت میلیون و سیصد هزار نفر تجاوز می‌کند که قریب هشت میلیون نفر آنها بومی آفریقائی و بقیه آسیائی و اروپائی هستند . موزامبیک که در سال ۱۴۹۸ بوسیله «واسکو دوگاماء کاشف و دریا نورد معروف پرتغالی کشف شده از اوائل قرن شانزدهم بصورت مستعمره پرتغال درآمد و تا دوازده سال قبل مانند گینه بیسائو مستعمره مطیع و آرامی بود ، ولی نهضت استقلال طلبان موزامبیک موسوم به « فرلیمو » که از سال ۱۹۶۴ به جنگ‌های پارتیزانی علیه نیروهای پرتغال

مستعمرات دیگر پرتغال

بجز مستعمرات نامبرده فوق که در آفریقا قرار گرفته پرتغال دارای مستعمرات کوچک دیگری در آفریقا و آسیا و اقیانوسیه نیز هست که بترتیب اهمیت از این قرارند :

۱- جزیره تیمور که در شمال استرالیا واقع شده و قسمت شرق آن در تصرف پرتغال است (قسمت غربی جزیره به اندونزی تعلق دارد) و سمت قسمت منصرفی پرتغال قریب بیست هزار کیلو متر مربع و جمعیت آن ۶۵۰۰۰ نفر است .

۲- ماکائو. شبه جزیره کوچکی است که در دهانه رودخانه کانتون در ساحل چین قرار گرفته

و بادو جزیره کوچک مجاور آن جمماً ۱۶ کیلو-متر مربع مساحت و ۲۷۰۰۰ نفر جمعیت دارد .

۳- جزائر ساؤ تومه و پرنسپ که در ساحل غربی آفریقا در خلیج گینه قرار گرفته است . مساحت آن در حدود یک هزار کیلو متر مربع است و جمعیتش قریب ۲۰۰۰ نفر است .

دربیران پرتغال قول داده اند که پس از استقلال مستعمرات آفریقایی پرتغال آزادی و خودمختاری مستعمرات کوچک خود را نیز مورد مطالعه قرار دهند و استقلال و خودمختاری جزایر ساؤ تومه و پرنسپ از هم اکنون تحت مطالعه است .

تحولات پرتغال تأثیری در سیاست ضد استعماری

این کشور ندارد

با تحولات اخیر پرتغال و کناره گیری ژنرال اسپینولا از مقام ریاست جمهوری آن کشور اکنون این سؤال در مطبوعات و محافل سیاسی جهان مطرح شده است که آیا در برنامه های مربوط به آزادی و استقلال مستعمرات آفریقایی پرتغال تغییری حاصل خواهد شد یا نه؟

ژنرال فرانسیسکو کوستا گومش، رئیس جمهوری جدید پرتغال در دوران خدمات نظامی خود مدتی فرماندهی ارتش مستعمراتی پرتغال را در موزامبیک و آنگولا برعهده داشته و از این حیث محبوبیتی در میان مردم مستعمرات ندارد لیکن این مطلب نیز بر کسی پوشیده نیست که وی از گردانندگان اصلی کودتای نظامی آوریل گذشته پرتغال بوده و سیاست های ضد استعماری جدید پرتغال را مورد تأیید قرار داده است .

از سوی دیگر تحولات اخیر پرتغال گرایش بیچ تلقی میشود و عناصر چپ گرای پرتغال از بدو تشکیل حکومت جدید پرتغال همواره در صف مقدم مبارزه با سیاست استعماری پرتغال قرار داشته اند . ابقاء سرنهنگ «واسکو - گونکالوش» در مقام نخست وزیر و «ماریو - سوارزه» در سمت وزارت خارجه پرتغال نیز مبین این واقعیت است که پرتغال به تعهدات خود در مورد آزادی مستعمرات همچنان وفادار خواهد ماند .